

جوانان و آسیب‌های اجتماعی «میزگرد»

اشاره :

چهارمین میزگرد نهادشناسی مؤسسه در سال ۱۳۸۱، روز سه‌شنبه هفتم آبان‌ماه در تهران برگزار شد و با توجه به موضوع آن، «جوانان و آسیب‌های اجتماعی»، از سه‌تن از وکلا و حقوق‌دانان همشهری به عنوان اعضای میزگرد دعوت به عمل آمد. این اعضا در جمع عده‌ای از استادان و صاحب‌نظران نهادی دیدگاه‌های خود را در این خصوص بیان داشتند و در بخش دیگری از جلسه به سؤالات حاضران پاسخ دادند.

در این جا، ضمن تشکر و سپاس از اعضای محترم میزگرد، اجمالاً به معرفی آنان می‌پردازیم و سپس گزیده‌ای از اظهارات آنان را درج می‌نماییم.

۱- جناب آقای دکتر محمدحسن بردبار: ایشان متولد ۱۳۳۱ نهادی هستند. تحصیلات تا دیپلم را در نهادی گذراندند. از سال ۵۰ تا ۵۳ به اخذ مدرک لیسانس از دانشگاه تهران نایل شدند و فوق‌لیسانس و دکترای حقوق بین‌الملل را از دانشگاه وی یو بی بلژیک دریافت کردند.

ایشان مدت‌ها وکیل دادگستری و مشاور حقوقی دولت و مدافع ایران نزد دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا (دیوان داوری لاهه) بوده‌اند و هم‌اکنون نیز به شغل وکالت مشغول‌اند. «مجموعه‌ی شعر»، «صلاحیت در

دیوان‌های بین‌المللی - به انگلیسی»، «اجرای احکام خارجی» (مجله‌ی حقوقی)، «چشم‌انداز داور» (مجله‌ی کانون و کلا)، «جایگاه دیوان لاهه» (مجله‌ی دادرسی)، «حقوق ارتباط جمعی» و «حقوق اینترنت و ماهواره» نمونه‌ای از کتاب‌ها و مقالاتی است که تألیف و تدوین کرده‌اند.

۲- جناب آقای البرز چلبی: ایشان متولد ۱۳۲۰ نهاوند هستند. تحصیلات تا دیپلم را در نهاوند و کرمانشاه طی کردند و لیسانس و فوق‌لیسانس حقوق قضایی را از دانشگاه تهران دریافت نمودند. ایشان استاد دوره‌های عالی انتظامی و نظامی در دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد ژاندارمری سابق نیز بوده‌اند و در نقاط مختلف کشور (لرستان، همدان، کرمانشاه، خوزستان و تهران) در این مشاغل خدمت کرده‌اند.

هم‌چنین سال‌ها مدرس حقوق ورزشی در دانشکده‌ی تربیت بدنی (حقوق جزا)، مشاور سازمان تربیت بدنی ایران و استان تهران و فدراسیون کشتی پهلوانی، رئیس کمیته‌ی انضباطی و قضایی فدراسیون کشتی و استاد انستیتو کشتی ایران و وکیل دادگستری بوده‌اند و هم‌اکنون نیز به وکالت مشغول‌اند.

۳- جناب آقای حمیدرضا گودرزی: ایشان متولد ۱۳۳۳ نهاوند هستند. تحصیلات تا پایان دوره‌ی متوسطه را در نهاوند گذراندند. در سال ۱۳۵۱ وارد دانشگاه تهران شدند. سال ۱۳۵۴ در رشته‌ی حقوق از دانشکده‌ی حقوق فارغ‌التحصیل شدند. سال ۱۳۵۷ با سمت دادیار دادرسی کرمانشاه به دادگستری وارد شدند. سال ۱۳۶۹ به عنوان بازپرس ویژه‌ی قتل‌های عمدی در تهران آغاز به کار کردند، سال ۱۳۷۴ با سمت رئیس دادگاه ویژه‌ی امور جنایی تهران فعالیت خود را ادامه دادند. سال ۱۳۷۷ با

سمت مستشاری اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه اشتغال یافتند و بالاخره در سال ۱۳۸۰ با پایان گرفتن خدمات قضایی به وکالت پرداختند. ضمن این‌که به عنوان عضو کمیسیون تدوین و انتشار قوانین قوه‌ی قضائیه نیز همکاری دارند.

خدمات فرهنگی:

۱- انتشار داستان‌های کوتاه در مجله‌ی اطلاعات هفتگی، روزهای زندگی، دادرسی، جوانان امروز ۲- انتشار داستان‌های جنایی در هفته‌نامه‌ی حوادث که پس از دو سال توقیف شد. ۳- انتشار مجموعه‌ی مقالات علمی تحت عنوان بررسی صحنه‌ی جرم بانگ‌رشی به حقوق اروپا و تطبیق با آن با کار تحقیق و کارشناسی صحنه‌های جنایی در ایران ... که مدت چهار سال در مجله‌ی پزشکی قانونی منتشر گردید. ۴- انتشار کتاب‌های داستانی زیر:

گل‌های پرپر شده، آهنگ قلب‌ها، پایان انتظار، فانوس، کوچ، پل‌های شکسته، آخرین دفاع، تا مرزهای جنون، بغضی که با آینه گره خورد، .. و عشق صدای فاصله‌هاست، اثر انگشت، روز پراضطراب و ده‌ها عنوان دیگر

«فرهنگان»

۱- جناب آقای دکتر محمد حسن بردبار

اگرچه آسیب‌های اجتماعی و تبعات ناگوار آن به مکان یا دوره‌ی خاصی منحصر نمی‌شود، اما متأسفانه تاکنون این مشکلات بیش از هر کس دامن‌گیر جوانان ما شده‌است و از آن جایی که کشور ما جزء جوان‌ترین کشورهاست این نگرانی گستره‌ی بیش‌تری یافته‌است. بنابراین از همه‌ی مسئولان و حقوق‌دانان و کارشناسان این امور انتظار می‌رود که به طور جدی برای رفع و کاهش این معضل جوانان چاره‌اندیشی کنند.

جوانان و نوجوانان نهاوندی بخشی از این مجموعه‌ی بزرگ کشور است و ما در این میزگرد می‌خواهیم به تجزیه و تحلیل و بررسی این پدیده پردازیم. همین‌جا اشاره کنم حقوق‌دانان همشهری، چه ساکن در نهاوند و چه در تهران و در سایر شهرستان‌ها، چهره‌های موفق، دل‌سوز و علاقه‌مندی هستند که نسبت به این آسیب‌های اجتماعی در کشور و از جمله زادگاهشان احساس مسئولیت می‌کنند. در عین حال امیدوارم با تشکیل نشست‌های جدی‌تری با این همشهریان حقوق‌دان، بررسی‌های جامع و مفیدی در این خصوص به عمل آید.



اعضای محترم میزگرد به ترتیب از راست به چپ:
آقایان البرز چلبی، حمیدرضا گودرزی و دکتر محمدحسن بردبار

البته به تدریج حقوق دانان جوان نیز به این جمع خواهند پیوست. از جمله به عنوان یک خیر مسرت بخش به اطلاع شما همشهریان گرامی می‌رسانم آقای فرزاد سیف، از همشهریان جوان و فاضل ما که در دوران کارآموزی و کالت دادگستری، با دفتر و کالت این جانب همکاری داشتند، در دوره‌ی اختبار سال ۱۳۸۱ کانون وکلای دادگستری مرکز، به عنوان یکی از افراد ممتاز این دوره، با معدلی عالی به کسوت مقدس و کالت دادگستری درآمدند و موجب سرافرازی و افتخار این جانب و همشهریان محترم شدند. من برای این دوست و همکار محترم آرزوی سلامت و توفیق در خدمت به جامعه را دارم.

و اما بحث درباره‌ی آسیب‌های اجتماعی ابعاد گوناگونی دارد و از مراکز و نهادها و اشخاص - با توجه به مسئولیت و تخصص آن‌ها - انتظار متناسب با آن‌ها را می‌توان داشت. وقتی از حقوق دانی خواسته می‌شود که درباره‌ی جوانان و آسیب‌های اجتماعی سخن بگوید، عموماً این انتظار به جا را هم از او دارند که به بررسی تأثیر قانون کشوردر جلوگیری یا کم‌رنگ کردن آسیب‌های اجتماعی پردازد و نیز تأثیر احتمالی قانون را در بروز برخی آسیب‌ها به جوانان بیان نماید. برای این که موضوع ملموس‌تر و واضح‌تر شود، به ذکر دو مثال می‌پردازم.

مثال اول: قانونی داریم تحت عنوان "قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل

اطفال و جوانان ایرانی"^۱ مصوب سی تیرماه ۱۳۵۳ که در ماده‌ی چهار آن آمده است:

«هریک از پدر یا مادر یا سرپرست قانونی کودک و نوجوان کم‌تر از هجده سال، که قانوناً مسئول پرداخت مخارج زندگی او می‌باشد و با داشتن امکانات مالی از تهیه‌ی وسایل و موجبات تحصیل کودک یا نوجوان واجد شرایط تحصیل مشمول این قانون در

محلی که موجبات تحصیل دوره‌های مربوط از طرف وزارت آموزش و پرورش فراهم شده باشد، امتناع کند یا به نحوی از انحا از تحصیل او جلوگیری نماید، به حکم مراجع قضایی که خارج از نوبت رسیدگی می‌کنند به جزای نقدی ... و به انجام تکالیف فوق نسبت به کودک یا نوجوان محکوم خواهد شد. هرگاه پس از ابلاغ حکم، پدر یا مادر یا سرپرست به تکلیف مقرر در حکم دادگاه اقدام ننمایند، یا پس از اجرای حکم مجدداً کودک یا نوجوان را از تحصیل بازدارند به حبس جنحه‌ای از یک سال تا سه سال و تأمین هزینه‌ی معاش و تحصیل کودک یا نوجوان خود محکوم خواهد شد.»

حال اگر آحاد مردم از طریق وسایل ارتباط جمعی با این قانون آشنا شوند و موجبات و ابزار اجرای صحیح آن فراهم آید، بی‌شک مانع ورود بخشی از آسیب‌های اجتماعی ناشی از بی‌سوادی و ناآگاهی به جوانان خواهد بود. بنابراین اطلاع‌رسانی و تبلیغ و تبیین قوانین، نقش مؤثری در کاهش آسیب‌های اجتماعی دارد.

مثال دوم: این مثال به قوانینی ارتباط پیدا می‌کند که اجرای آن‌ها، خودآگاه یا ناخودآگاه منشأ و موجب ورود آسیب به جوانان به عنوان بخشی از مردم جامعه است. همگی شما احتمالاً به خاطر دارید که چند سال قبل، قانونی به تصویب رسید که به موجب آن، مهریه‌ی زنانی که در گذشته ازدواج کرده و مهریه‌ی آنان به وجه رایج آن زمان تعیین شده بود، باید بر اساس شاخصی که بانک مرکزی ارائه می‌داد و جدولی که دادگستری منتشر می‌کرد، محاسبه شود.

در نتیجه‌ی اجرای این قانون، میزان مهریه‌ای که این قبیل زنان مطالبه می‌کردند، عموماً به یک رقم قابل توجه بالغ می‌گردید. در نگاه نخست و با توجه به اوضاع اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه، نظیر تورم و کاهش ارزش پول، ممکن است این نوع برخورد و تعیین چنین رقمی به عنوان مهریه، عادلانه و غیرقابل اعتراض تلقی شود.

زیرا یک زنی که مثلاً بیست یا سی سال با مردی زندگی کرده است، حال که می‌خواهد از او جدا شود، عدالت حکم می‌کند که این زن در جامعه دست خالی و نگران رها نشود.

در عین حال، با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی حاکم بر بیش تر خانواده‌ها، می‌دانیم بسیاری از شوهران قادر به پرداخت مبلغی که به عنوان مهریه محاسبه می‌شود، نبوده و نیستند.

از سوی دیگر، قانون دیگری در سال‌های اخیر به تصویب رسیده است به عنوان «قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی»^۱ مصوب دهم آبان ۱۳۷۷ که از جمله، ماده‌ی دو آن مقرر می‌دارد:

«هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود... و آن را تأدیه ننماید، دادگاه او را الزام به تأدیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد، آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفا می‌نماید و در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم^۲، ممتنع [امتناع کننده] در صورتی که مفسر نباشد تا زمان تأدیه، حبس خواهد شد.»

بنابراین، اگر کسی دینی و طلبی را به دیگری داشته باشد، طلبکار می‌تواند بعد از صدور حکم، بدهکار را زندانی کند. وقتی این قانون که بین مردم به «یوم الاداء» معروف است با قانون نخست در مورد مهریه جمع می‌شود، در عمل به یکی از منابع ورود آسیب اجتماعی به خانواده‌ها، به ویژه کودکان و نوجوانان، تبدیل می‌شود.

موارد متعددی دیده شده است که خانمی پس از چندین سال زندگی، به محض کوچک‌ترین برخوردی با شوهرش، با استفاده از راهنمایی کسانی که با این قانون آشنا

هستند، مهریه‌ی خود را مطالبه می‌کند و با مراجعه به دادگاه و درخواست محاسبه‌ی رقم جدید مهریه، علیه شوهر خود اقدام می‌نماید.

در این حالت، اگر شوهر مال قابل توقیفی داشته باشد، معادل میزان مهریه از آن مال توقیف می‌شود و اگر مالی نداشت، با استفاده از قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی، خود شوهر توقیف و مستقیماً روانه زندان می‌گردد و هر چه هم فریاد بزند که الان نمی‌توانم مهریه را بپردازم و یا حاضرم آن را به صورت اقساط پرداخت کنم، کسی به او گوش نخواهد داد.

فقط ممکن است که او را راهنمایی کنند که می‌تواند از درون زندان تقاضای اعسار به دادگاه تسلیم کند. یعنی اعلام نماید که من مفلس هستم. در این مرحله دادگاه رسیدگی خواهد کرد و در صورت پذیرفته شدن تقاضای شوهر احتمال دارد که مهریه را قسطی کند.

نکته قابل توجه این است که در تمام این مدت شوهر باید در زندان باقی بماند و از آنجا که دادگاه‌ها با تقاضای اعسار به سختی موافقت می‌کنند، زندان‌های ما در سال‌های اخیر میزبان کسانی است که به عنوان زندانی مهریه، مجوس شده‌اند که امیدوارم این گونه قوانین مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

وجود قوانینی که ذکر شد، موجب شده که ظرف چند سالی که از اجرای آن‌ها می‌گذرد، آمار طلاق، طبق آمارهای رسمی، هر سال افزایش بیش‌تری یابد، سن زوجین متقاضی طلاق بالا رود و خانواده‌های بیش‌تری متلاشی شوند و اعضای خانواده‌ها، به خصوص کودکان، نوجوانان و جوانان، اولین قربانیان آن گردند.

این هم‌نمونه‌ی گویایی است از اثرگذاری و ارتباط بین قانون و آسیب‌های اجتماعی. بی‌شک نقد و بررسی علمی قوانین از سوی مسئولان و صاحب‌نظران و تبیین و تشریح آن‌ها می‌تواند در تغییر و کاهش آثار سوء آسیب‌های اجتماعی مؤثر باشد.

۲- جناب آقای البرز چلبی:

آسیب‌های اجتماعی که اکثر افراد یک جامعه بالاخص جوانان در معرض آن قرار دارند، با نگرش به شهرمان نهاوند موضوع مورد بررسی این میزگرد است و ما در این جا جمع شده‌ایم تا با تأمل در آن، علل ایجاد، توسعه و انواع رایج و متداول آن را در سطح جامعه تبیین نماییم.

ضرورتاً در این خصوص دانش مردم‌شناسی مطرح می‌شود. این دانش ناظر به جنبه‌های فیزیکی انسان است و حرکات گروهی انسان را در بستر اعتقادات جمعی بررسی می‌کند. دانش مردم‌شناسی حدود یکصد و پنجاه سال پیش پایه‌گذاری شده و امروزه به شاخه‌های متعددی تقسیم گردیده که هر یک مقوله‌ی مفصل و مستقلی هستند. از جمله: «مردم‌شناسی تاریخی»، «مردم‌شناسی اجتماعی»، «مردم‌شناسی روانی» و «مردم‌شناسی فرهنگی».

در این جا که سخن از آسیب‌های اجتماعی جوانان است، ما از مردم‌شناسی فرهنگی بهره می‌گیریم که شاخه‌ای از مردم‌شناسی است. زیرا این علم از محرک‌های پنهان مردم به صورت جمعی سخن می‌گوید و نشان‌دهنده‌ی علل پنهان حرکت توده‌ها و نیز تغییر مسیر رویدادهای اجتماعی است. از طریق این دانش می‌توان رفتارهای اجتماعات امروز را ریشه‌یابی کرد. به عبارت دیگر «مردم‌شناسی فرهنگی» به بررسی قواعد کلی چارچوب‌های رفتار انسان در ابعاد گوناگون می‌پردازد و سعی می‌کند توجیهی از آن را به دست دهد.

طبیعی است که یافته‌های پژوهشی تاریخی، باستان‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌کاوی، جامعه‌شناسی، علوم طبیعی، زبان‌شناسی، الهیات و فلسفه هر یک به گونه‌ای مورد استفاده‌ی مردم‌شناسی فرهنگی قرار می‌گیرند.

ما در این جا به بیان برخی علل و انگیزه‌های وقوع آسیب در جوامع شهری و روستایی، که کاملاً آشکار، متعارف و ملموس هستند، می‌پردازیم. البته بررسی علل پنهان و پوشیده‌ی این پدیده‌ها مسئله‌ای خاص و کارشناسی ویژه‌ای را طلب می‌نماید که البته در این گفت‌وگوی محدود جلسه نمی‌گنجد.

آسیب‌های اجتماعی اشخاص و علل آن

آسیب‌پذیری‌های اجتماعی اشخاص، یا به قبل از اشتغال و تثبیت موقعیت شغلی آنان مربوط می‌شود و یا به مراحل بعد از اشتغال.

الف - موارد زیر را می‌توان به مرحله‌ی قبل از اشتغال اشخاص مربوط دانست:

- ۱- احساس ناتوانی برای ادامه‌ی زندگی عادی و تحصیل و کارایی در جامعه؛
- ۲- نداشتن وسیله و ابزار قدرت برای نیل به آمال و آرزوها و اهداف خود؛
- ۳- نداشتن درآمد و قدرت خرید برای تهیه‌ی احتیاجات عادی و روزمره؛
- ۴- نابه‌سامانی و اختلافات داخلی خانوادگی؛
- ۵- یأس از یافتن شغل و نگرانی از دست‌دادن شغل احتمالی؛
- ۶- بازماندن از تحصیل یا اشتغال، شکست و عدم توفیق در شئون زندگی (تحصیل، دوست داشتن و عشق، امید و...)
- ۷- شکست در ورود به مشاغل دولتی یا خصوصی و در اجتماعات صنفی و سنخی و عدم توفیق در کسب تخصص مورد علاقه؛
- ۸- کمبود یا نبود امکانات تفریحی و شادی‌بخش فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی؛
- ۹- و موارد دیگری که به ذهن شما حاضران در این جلسه متبادر می‌گردد.

ب - اکنون به بخش دیگری از آسیب‌های اجتماعی که به بعد از اشتغال یا در حین کار مربوط می‌شود، می‌پردازیم. البته این آسیب‌ها در شهرهای کوچکی مثل نهاوند کم‌تر و در شهرهای بزرگ‌تر بیش‌تر بروز و ظهور دارند.

آن دسته از جوانان که بعد از اتمام تحصیل، با رفع موانع متعدد و گذر از صافی‌های مختلف انتخابی و گزینشی و امتحان و مصاحبه و غیره و با توصیه و اعمال نفوذهای مرئی و نامرئی جذب کار یا شغلی می‌شوند، به رغم داشتن مدارک علمی، فنی و تخصصی در معرض آسیب‌های ویرانگر اجتماعی دیگری قرار می‌گیرند که موجب نگرانی می‌شود و باید به آن‌ها توجه کرد. از جمله:

۱- ممکن است محل یا مؤسسه و سازمان مورد اشتغال مبتنی بر شایسته‌سالاری نباشد. در حالی که فرد مورد نظر و هموطن یا همشهری عزیزی که در این‌جا اشتغال یافته دارای قابلیت و توانایی‌های لازم است. بی‌شک مؤسسه‌ای که به کارگرفتن‌هایش بر مبنای معرف و پارتی و وابستگی‌های فامیلی‌های باشد، مسلماً کارهای مهم و کلیدی را به‌صورت رابطه و نه ضابطه واگذار می‌کند و شایستگان در حاشیه قرار می‌گیرند.

در این صورت چنین فرد شایسته‌ای در این‌گونه مشاغل و مؤسسات به درستی و متناسب با توانایی‌اش جذب نمی‌شود. در نتیجه به آسیب‌هایی نظیر سرخوردگی، دل‌سردی و محرومیت دچار می‌شود و متعاقباً آسیب‌های اجتماعی بر او هجوم خواهد آورد.

۲- برعکس ممکن است اشتغال مؤسسه، نهاد و سازمان‌هایی بر مبنای شایسته‌سالاری باشد و کسانی به کارهای حساس و کلیدی گماشته شوند که به حق شایستگی و تخصص کافی و مناسب را داشته‌باشند. در این صورت کسانی که فاقد چنین خصائل و صفات و تخصصی هستند و با شرایط غیر عادی و توصیه و تشبث معرفی شده و مشغول

به کار شده‌اند، در عمل با موانع و بن‌بست‌هایی مواجه می‌شوند و نهایتاً در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

در هر دو مورد نتیجه روشن و معلوم است. در مورد نخست، که اشتغال بر مبنای شایسته‌سالاری نیست افراد با توسل به این و آن و از طریق نامشروع و غیر تخصصی و غیرعادلانه سعی در نگهداری موقعیت خود دارند و هرگاه موقعیت مناسبی به دست آورند، برای تأمین حال و آینده خود به سوء استفاده، رشوه‌خواری و سایر اعمال خلاف مبادرت خواهند کرد.

زبان‌هایی که از این افراد به محل مورد اشتغال، که جزئی از کل جامعه است، وارد می‌شود قابل تصور و تأمل است و از آن‌جایی که گزینش و انتخاب و انتصاب کارکنان و مدیران همه و همه بر اساس روابط بوده نه ضوابط، چنین نابه‌سامانی‌هایی ناگزیر ایجاد می‌شود. به طور مثال یک پزشک، مسئول امور اقتصادی می‌شود، یک مهندس، کارپرداز می‌شود و یا یک ادیب یا هنرمند مسئول تدارکات می‌شود!

بیهوده نیست که تعداد قابل ملاحظه‌ای از سرخوردگان و روان‌پریشان و به ویژه معتادان در جامعه شایستگی‌ها هستند که متناسب با توانایی‌هایشان به کار گماشته نشده‌اند و در نتیجه از این طریق آسیب دیده‌اند. شک نیست که چنین مؤسسه یا سازمانی محکوم به شکست است و از آسیب‌های بزرگ اجتماعی آن در امان نخواهد ماند.

در مورد دوم که شایسته‌سالاری حاکم است، آسیب‌پذیری را در شاغلانی شدت می‌بخشد که از لیاقت و شایستگی لازم برخوردار نیستند. این قبیل افراد، از این‌که مشاغل حساس و کلیدی و مهم در اختیار آنان گذاشته نمی‌شود، دچار روان‌پریشی و افسردگی و سرخوردگی از کار و زندگی می‌شوند و نسبت به آینده‌ی خود و پیشرفت و تعالی خود مأیوس می‌گردند و در معرض انواع و اقسام آسیب‌های اجتماعی قرار خواهند گرفت.



آسیب‌های اجتماعی غیر اشخاص

آسیب‌های اجتماعی تنها منحصر به اشخاص نمی‌شود، بلکه مشاغل و مدیریت‌های دولتی و غیر دولتی هم ممکن است در معرض این آسیب‌ها قرار گیرند به این شرح:

در آن دسته از مشاغل دولتی و عمومی که به هر دلیل ضعف ساختاری یا مدیریتی دارند، آسیب‌های اجتماعی چه از نظر مشاغل و چه مدیریت آن، کم‌ویش آشکار می‌گردد. به هر حال سیستم‌های شایسته‌سالاری به نوعی و سیستم‌های غیر شایسته‌سالاری به نوع دیگر از آسیب‌های اجتماعی در امان نیستند و نتیجه‌ی سوء آن، مستقیماً و آثار و تبعات آن غیر مستقیم، به جامعه‌ی حاضر و آینده منتقل خواهد شد.

از سوی دیگر بخش‌های غیر دولتی، در صورتی که کار و تولید قابل توجه و پردرآمدی داشته باشند، در معرض نوعی آسیب دولتی قرار می‌گیرند. سوء مدیریت، بی‌لیاقتی، طمع‌ورزی و بی‌توجهی به مصالح اجتماعی و ملی کشور از عواملی در بخش‌های دولتی می‌تواند باشد که بعضاً به این‌گونه مؤسسات و کارخانه‌ها و قطب‌های صنعتی و تولید و پر درآمد غیر دولتی آسیب می‌رسانند.

آن‌ها گاه خود وارد معرکه می‌شوند و به انحاء مختلف، با ایجاد تضییقات اداری و طرح مقرراتی دست و پاگیر و باز دارنده و برقراری سیستم‌های کنترلی ایذایی و تعیین ضوابط غیر عادلانه و غیر لازم، خواستار مشارکت و گرفتن سهام خاص برای خود و ایادی خود می‌شوند و یا به منظور به کارگماردن مدیران نالایق، اما وابسته به خود، آن هم در امور و مشاغل حساس این مؤسسات اصرار می‌ورزند و یا تولید و فروش و خرید و خلاصه درآمد مؤسسه را با تدوین ضوابط نادرست تحت کنترل خود در می‌آورند و محدودیت‌هایی برای رقابت و توسعه‌ی تولیدات یا عرضه‌ی کالاهای چنین مؤسساتی تدوین و تنظیم می‌کنند.

گاهی با یک دستورالعمل یا بخشنامه و صدور آن از ناحیه‌ی یک مدیر دولتی، که قدرت قانونی چنین تصمیماتی را دارد، تولید و توسعه و پیشرفت یک مؤسسه را متوقف می‌سازد و یا به کلی انحلال و ورشکستگی آن را موجب می‌شود.

در کشورهای صنعتی مترقی مؤسسات، کارخانجات و مراکز تولیدی زیادی وجود دارند که عمر بعضی از آن‌ها از مرز سیصدسال هم می‌گذرد. فرزندان این مجموعه‌ها ضمن این که جزء صاحبان و سهام‌داران هستند، با افتخار شغل پدران خود را دنبال می‌کنند و با عزت و سربلندی آن را ادامه و توسعه می‌دهند.

اما در کشورهای جهان سوم متأسفانه کم‌تر کارگاه یا مؤسسه یا کارخانه‌ای می‌توان یافت که کارش حدود صدسال دوام یافته باشد. علت این بی‌ثباتی رقابت نامشروع و یورش آسیب‌های اجتماعی به آنان تا مرحله‌ی محو و نابودی این کارگاه‌ها و مؤسسات است. در این صورت جوانان کم‌تر به مشاغل و حرفه‌ی پدران خود روی می‌آورند، زیرا به چشم خویش آسیب‌ها را دیده‌اند و شاهد شکست آن‌ها بوده‌اند.

اینک به اختصار عناوین بعضی از آسیب‌های اجتماعی را بیان می‌کنیم:

اهم و انواع آسیب‌های اجتماعی

در صورت وجود و وقوع نا به سامانی هایی که برشمرديم و موارد ديگري که شما حاضران در جلسه مي شناسيد، چنين آسيب‌هايي به افراد و پيکره‌ي جامعه وارد مي شود:

- ۱- کم کاری و بيکاري
- ۲- ولگردی ، سرگردانی و بي برنامه‌گي
- ۳- ارتکاب به اعمال خلاف (قماربازي ، شرابخواري ، گدايي و ...)
- ۴- اعتياد به مواد مختلف
- ۵- افت تحصيلي ، نهايتاً ترک تحصيل ، افت کاري و ترک شغل و کار
- ۶- فرار از منزل ، فرار از مدرسه
- ۷- ترک خانه و خانواده ، ترک موطن (روستا و شهر) ، ترک سرزمين و کشور
- ۸- افسردگي ، روان پريشي ، ابتلا به ناهنجاري‌هاي مختلف روحي و رواني
- ۹- بي اعتنايي به موازين اخلاقي ، ديني ، فرهنگي ، اجتماعي ، خانوادگي
- ۱۰- دچار شدن به تضاد و تعارض نسبت به افراد و اشخاص ديگر ، خانواده ، جامعه
- ۱۱- اختلافات خانوادگي ، زناشويي ، طلاق و ...
- ۱۲- ارتکاب به اعمال غير قانوني و جرائم مختلف مانند سرقت‌هاي خانوادگي ، فاميلي ، محلي در شهر خود يا ديگر شهرها
- ۱۳- عصيان و شرارت و ارتکاب اعمال ضد اجتماعي و ضد قانون ، مانند دزدي کيف قاپي ، سرقت اتومبيل ، سرقت لوازم ، اسيد پاشي ، چاقو کشي ، سرقت مسلحانه ، تعدي و تجاوز به جان و مال و نواميس اشخاص ، قتل و جنایت
- ۱۴- ايراد خسارت به اموال مردم و اموال دولت به بهانه‌هاي جزئي (مثلاً طرفداري از تيمي عليه تيم ديگر) اين وضعيت خطرناک ناشي از فشارهاي روحي است که بعضاً تبديل به عصيان و طغيان مي گردد و به هرج و مرج در بعضي از ارکان جامعه منجر خواهد شد.

۱۵- یاغیگری، خود سوزی و خودکشی. این افراد از نظر روحی و اجتماعی به حالتی می‌رسند که مرگ را بر وضعیت موجود و ادامه‌ی زندگانی ترجیح می‌دهند و این غم‌بارترین و متأسفانه متداول‌ترین آسیب مهم اجتماعی زمان حاضر است...
برای جلوگیری از حدوث و ورود این آسیب‌ها چه باید کرد؟

نحوه‌ی جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی

برای جلوگیری از ورود و گسترش این آسیب‌های اجتماعی هم «دولت» و هم «مردم و خانواده‌ها» بسیار تأثیرگذار هستند.

الف - دولت

دولت به عنوان سرپرست و نماینده‌ی منتخب مردم و جامعه، ضمن این که کلیه‌ی امکانات را در اختیار دارد، در برابر جامعه و آسیب‌های اجتماعی دارای مسئولیت مستقیم است و موظف است برای رشد، خلاقیت و ایجاد کار و تحصیل و بهداشت و فرهنگ افراد و آحاد جامعه بسترهای لازم را فراهم نماید و با اتخاذ تدابیر سنجیده و بررسی کارشناسانه و با به کار گماردن مدیران کاردان و کارآفرین و صادق و سالم و برنامه‌ریزی صحیح و به کارگیری تمامی امکانات معنوی و مادی و استفاده از متخصصان و علوم و فنون و تقسیم نیروها برای خدمت به مردمی که او را انتخاب کرده و وکیل خود قرار داده‌اند و به او مالیات می‌پردازند، اقدام نماید.

کار، اشتغال، تأمین آرامش و امنیت و آزادی قدم‌های زیربنایی و اساسی دولت جهت پیش‌گیری و درمان این آسیب‌هاست. دولت می‌تواند به کمک آموزش و پرورش از وقوع و گسترش آسیب‌ها جلوگیری و در صورت وقوع آن‌ها، از اқشار آسیب‌پذیر دفاع نماید و در رفع آن اقدام نماید.

هم‌چنین می‌تواند با ایجاد شغل، تحصیل، بهداشت و فرهنگ رایگان و صحیح و نصب مدیران لایق و کاردان و کارشناسان دل‌سوز به این مهم پردازد و با ایجاد امکانات علمی، ورزشی، هنری و فرهنگی و توسعه‌ی گردشگری فضاهای موجود را

برای جوانان و بزرگسالان جذاب و پر اشتیاق سازد. نظارت و کنترل صحیح و دقیق دولت بر اعمال کارگزاران و تقسیم و تعدیل مشاغل و حرف و بودجه و درآمدها و سرمایه‌های ملی و نگرش به منافع و مصالح آیندگان، وظیفه‌ی خطیر دیگری است که در نهایت به سود جامعه و رفع آسیب‌های اجتماعی منجر می‌گردد.

ب- مردم و خانواده‌ها

بخش خصوصی و غیر دولتی که از طریق مشارکت‌های مردمی تحقق می‌یابد و از نظر قانون اساسی و دولت نیز مورد استقبال قرار گرفته است، نقش مهمی در کاهش آسیب‌های اجتماعی دارد. صاحبان صنایع و حرف و مشاغل و سرمایه‌داران با ایجاد کارگاه‌ها و کارخانجات به منظور جذب و اشتغال مردم بسیار تأثیر گذارند.

جمعیت و تشکل‌هایی که در جوامع و شهرها پا گرفته‌اند، می‌توانند از خطرات و آسیب‌های اجتماعی جلوگیری نمایند. هم‌چنین با ایجاد مراکز علمی، فرهنگی هنری و ورزشی و آموزشی و گردشگری و تشکیل اجتماعات مختلف برای اقشار خاص و مردم عادی و سرگرمی‌ها و تفریحات سالم و عام‌المنفعه‌ی بدون هزینه و خرج و هزینه‌ی مختصر از توسعه و گسترش آسیب‌ها جلوگیری می‌نماید.

تشکیل مسابقات و ورزش‌های همگانی و اجتماعات هنری، موسیقی، شعرخوانی، سخنرانی، تئاتر، نقالی، دینی، ادبی، تخصصی و فنی، دیدار از شهرها، اماکن تاریخی، مذهبی و گردشگری، کوهنوردی، دوچرخه‌سواری، راه‌پیمایی و هر اجتماعی که بتواند جوانان و بزرگسالان را جذب و اوقاتشان را پر نماید از اهم اقدامات بخش دولتی و غیردولتی برای جلوگیری از ورود آسیب‌های اجتماعی است. دعوت از مدیران و مسئولان محلی و کشوری در این مراسم و انجمن‌ها به منظور تشویق از جوانان و نوجوانان به فعالیت‌های اجتماعی قدم اساسی دیگری از سوی بخش خصوصی است.

نقش خانواده‌ها در مراقبت و مواظبت از جوانان و فرزندان و کنترل آن‌ها در منزل و محل کار یا تحصیل آن‌ها بسیار مهم است. توجه به رفت و آمدها و مکان‌هایی که

اوقاتشان را سپری می‌کنند مانند مدرسه، محل‌های بازی، اماکن عمومی، مسیرهای رفت و آمد از سوی خانواده ضروری است. توجه به شخصیت مریان معلمان و مدیران و استادان و مسیرهای رفت و آمد و سلامت این اماکن و اشخاص از وظایف دیگر خانواده است. همچنین والدین لازم است معاشرین، دوستان، همسالان، هم‌دوره‌ها و همکاران فرزندان خویش را شناسایی کنند و از تأثیرات سوء دوستان ناباب غافل نباشند. تشکیل گروه‌های خانوادگی و مشاوره‌ای و مردم دوست و لایق و مدیر به منظور بررسی راه کارها و جلوگیری از آسیب‌های جوانان توصیه می‌شود. هم‌چنین توجه به روحیات و شخصیت‌های متفاوت جوانان و بها دادن به آنان و امیدوار ساختن آنان به آینده از اقدام‌های مؤثر در این خصوص است. دیدار جوانان و نوجوانان از اماکن تاریخی و مذهبی و هنری و شرکت در جلسات و انجمن‌های مختلف علمی، ورزشی، هنری، ادبی، اجتماعی و برگزاری مسابقات گوناگون علمی و ورزشی در پرکردن ساعات فراغت آنان نقش تعیین کننده دارد.

تماس و تبادل نظر، مراد و مکاتبه با مسئولان دولتی، محلی و انجمن‌ها و همکاری متقابل با یک‌دیگر زمینه‌های مثبتی را فراهم می‌سازد و در نهایت موجب می‌شود تا آسیب‌های فردی و اجتماعی جوانان به حداقل برسد.

۳- جناب آقای حمیدرضا گودرزی

مبانی نظری آسیب‌های اجتماعی که سبب ساز آسیب‌های قشر جوان است، اساساً از جامعه‌شناسی شروع می‌شود. اما حقوق‌دان‌ها بیش‌تر این مسئله را بررسی می‌کنند که آسیب‌های اجتماعی امروز در کشور ما چه وضعیتی دارند و آیا بین بزهکاری جوانان و افزایش بی‌رویه‌ی جرائم و مناقشات خانوادگی با آن‌چه در جامعه و محل کار و سکونت جوانان به وجود می‌آید ارتباطی وجود دارد؟ و باید چه تدابیری اندیشید تا با کاهش این زمینه‌ها میزان جرائم ارتكابی توسط جوانان را کاهش داد؟

نکته‌ی مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که جوانان در کشور ما درصد بالایی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و هرم سنی در کل کشور، از آن جوانان است. از

این رو اگر به درصد جرائم ارتكابی جوانان نگاه کنیم ، می بینیم متأسفانه بیش ترین میزان ارتكاب جرم در کشور به جمعیت جوان مربوط می شود.

نکته ی دیگر این است که زمینه ی بخش مهمی از این آسیب ها در والدین نسل جوان ملاحظه می شود. به عنوان مثال در بررسی آمار اعتیاد و محاسبه ی تعداد معتادان جامعه و وضعیت آن ها مسلماً بسیاری از افراد معتاد دارای خانواده هستند و تعدادی از آن ها پدر خانواده محسوب می گردند و جوانان ما در واقع با تربیت و اندیشه ی همین پدرها بزرگ می شوند و در جامعه زندگی می کنند. درصدی از مادران هم متأسفانه دچار اعتیاد هستند و همین افراد فرزندان خود را در طول سال های گذشته در خطر اعتیاد و یا سوء استفاده از مسائل مربوط به مواد مخدر قرار می دهند.

با ذکر همین نمونه ی جزئی می توان به گذشته ی شهرمان نهادن نظر کرد و دریافت که چرا این آسیب ها در بعضی از جوانان این شهرستان به دلیل تأثیر گذاری والدین آن ها پدید آمده است . حال این که طبیعت زیبای این شهرستان به نظر من بهترین و مهم ترین ویژگی آن است. از سوی دیگر فضیلت های اخلاقی و زیبای های رفتاری این مردم، چه در امروز و چه در گذشته، بسیار چشمگیر و مورد پسند بوده است.

اگر به گذشته ی این شهر نگاه کنیم در آئینه ی تاریخ این شهر آموزگاران بسیار پرهیزگار و با تقوایی دیده می شوند که علاوه بر تدریس در مدرسه ، دانش آموزان مشتاق و ساعی را خارج از محیط تدریس حمایت می کردند و مورد توجه قرار می دادند. همان طور که بارها خود بنده را ملاقات کرده و کتاب و امکانات در اختیارم قرار می دادند .

این نمونه های اخلاقی برای یک جوان باعث شوق و ذوق و استحکام شخصیت و بالندگی می شد و برعکس سقوط اخلاقی عده ای از جوانان نیز عمدتاً متأثر از عملکرد نادرست والدین آن ها بوده است . پس نقش مریان ، والدین و مسئولین در هدایت روح و روان بچه ها و جوانان ما همواره تأثیر مثبت و بعضاً منفی داشته است.



جامعه‌شناسان کیفی برای بررسی عوامل افزایش جرم در جوامع، مسائلی هم‌چون افزایش جمعیت، بیکاری، مهاجرت‌های بی‌رویه و زیربنای اخلاقی جامعه را یادآوری می‌کنند. مسلماً همه این‌ها خود، در طیف وسیعی، ریشه در مسائل و مشکلات اقتصادی شهرستان دارد.

در حال حاضر با بررسی وضعیت شهر نهاوند از بین تمامی موارد ذکر شده، به‌عنوان عوامل ایجاد بزهکاری، پدیده‌ی «مهاجرت‌های بی‌رویه» بیش از همه مطرح می‌شود و هم‌چنین مسئله‌ی «بیکاری» که کاملاً مشهود و ملموس است.

اگر شما در تهران پدری را می‌بینید که سه تا چهار نوبت کار می‌کند تا زندگی‌اش اداره گردد، در شهرستان با بیکاری پنهان همین‌قدر مواجه می‌شوید و همین افزایش جمعیت، که ناشی از نداشتن برنامه‌های تنظیم خانواده، اشتغال و ازدواج برای جوانان است، موجب شده افراد در جامعه به خصوص جوانان دچار ضعف شخصیت و تزلزل و تردید فکری شوند.

از سوی دیگر عدم وجود یک ارتباط واقعی و عینی بین والدین و فرزندان، که از عوامل مهم روان‌شناختی - تربیتی است، موجب شده جوانان مسئولیت‌پذیر نشوند و این مسئله نگران‌کننده است. حفره‌های معنوی ایجاد شده بین پدران و فرزندان موجب بی‌اعتمادی و در نتیجه طرح دیدگاه‌های متفاوت و چالش بین آنان گردیده است.

برای حل چنین معضلی باید معلول‌ها را کنار بگذاریم و در پی کشف علت‌ها و ریشه‌ها باشیم. از جمله باید تئوری‌های مدرن جامعه‌شناسی با فرهنگ و اقلیم هر منطقه هماهنگ گردد و برای رسیدن به اقتصادی متحول و پویا برنامه‌ریزی کرد.

با مراجعه به خاطراتم، به عنوان نمونه از پرونده‌ی موسوم به «خفاش شب»، که این‌جانب در بررسی آن نقش داشتم، یاد می‌کنم. چرا شخصی مرتکب ده‌ها قتل می‌شود؟ در این خصوص تحقیق چه نقشی داشت؟ ما باید تحقیق می‌کردیم تا روشن شود چرا وی به این شخصیت وحشتناک تبدیل شده‌است و چه عواملی در این موضوع دخالت داشته‌اند؟

حسب بررسی روان‌پزشکان او دیوانه نبود، بلکه مبتلا به اختلال شخصیت بود. نه احساس دوستی را می‌فهمید نه حس دشمنی را. بین گریه و خنده‌ی او فاصله‌ای وجود نداشت. من به گذشته‌ی او مراجعه کردم و متوجه شدم، اولین بار در پانزده سالگی سر از زندان درآورده است. او شاگرد یک مغازه‌ی بستنی فروشی بوده که به جرم بردن پول بازداشت می‌شود.

حال باید دید آیا وی مرتکب دزدی شده یا به او تهمت زده بودند؟ او جوان پانزده ساله‌ای بوده که از روستا آمده و یک مرتبه جاذبه‌های زندگی شهری او را از خود بی خود کرده است. لباس‌های رنگارنگ، دوستان متنوع و آرزوهایی، که بیش تر غیرممکن می نمایند، هر یک او را به طرف ارتکاب جرم سوق داده بودند و بعدها دوستان ناباب راه و روش سرقت را به او نشان دادند. ارتکاب به سرقت‌های متعدد، سرانجام او را به کارهای هولناک تری مثل آدم ربایی و ... کشانیده بود. ماه‌ها پس از محاکمه، مطبوعات ویژه‌نامه‌ای برای خفاش شب منتشر کرد و با طرح مقاله‌ای با عنوان بسیار دلنشین و معنی دار «کبوتری که خفاش شد!» به شیوه‌ی دادرسی وی انتقاد کرد.

بله، وقتی او از ده به شهر آمد، یک کبوتر بود و هم‌نشینی با بزهداران از او چنین موجود وحشتناکی ساخت.

نتیجه‌گیری:

برای جلوگیری از گسترش آسیب‌های اجتماعی جوانان، عزمی ملی لازم است. از جمله حقوق دانان تأثیر مثبت قانون و یا تأثیر منفی احتمالی قانون را در این خصوص بررسی کنند و به اطلاع مردم برسانند. به تبع آن قانون‌گذاران به تدوین قوانینی که آسیب‌های اجتماعی را کم‌تر کند بکوشند. دولت، مردم و خانواده‌ها نیز حل این معضل را در اولویت قرار دهند. برای مثال «مهاجرت‌های بی‌رویه» و «بیکاری» از عوامل اصلی این آسیب‌ها در نهادند است، که باید درباره‌اش برنامه‌ریزی اصولی شود. به والدین نیز توصیه شود فاصله و شکاف بین خود و فرزندان را با برقراری روابط صمیمانه و دوستانه پرکنند.